

نویسنده: تام اینگل هارت (Tome Engelhardt).
منبع و تاریخ نشر: کونترپانچ «2022-06-06».
برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

بازگشت ضربه به قرن بیست و یکم : به یاد آوردن چالمرز جانسون

**Blowback for the Twenty-First Century: Remembering
Chalmers Johnson**



سکرین شات از Cspan

Blowback یعنی فرایندی که در آن گازها در جهتی خلاف معمول حرکت میکنند؛
بویره از طریق فرار از فشار یا از اختراق تا خیری.....اما اینجا در **بازگشت ضربه**؛
جنگ طلبان پنتاگون را مخاطب قرار میدهد که کارها و یا فعالیت های خصمانه ای را
که انجام میدهد پیامد های بد آن اعمال ناشایسته به رخ خود شما برمیگردد تفصیل
توسط این قلم از منابع اینترنتی

روزی روزگاری، خیلی وقت پیش - در واقع، اوایل سال 2000 بود - من مصروف
انتشارویا پخش **Blowback** بودم یعنی در مورد هزینه ها و پیامدهای امپراتوری آمریکا
که این موضوع توسط محقق برجسته آسیا، مشا ورسا بق سیا «سی آی ای» و جنگجوی
سرد **چالمرز جانسون** نوشته شده بود. من ویراستار او در کتاب های **متروپولیتن** بودم .

که در مقدمه اش، با استفاده از کلمه ای که آمریکایی‌ها در آن زمان (مثل همین حالا) خیلی از آن ناراحت بودند، که زندگی حرفه ای خود را به صراحت با برچسب زدن «سلاح نوک تیز همچو نیزه برای امپراتوری» خلاصه کرد. و منشا عنوان کتابش را اینگونه توصیف کرد:

«مقامات آژانس اطلاعات مرکزی برای اولین بار [اصطلاح بازگشت ضربه ای] را برای استفاده داخلی خود اختراع کردند... [این] به پیامدهای ناخواسته سیاست‌هایی اشاره دارد که از مردم آمریکا مخفی نگاه داشته می‌شد. آنچه که مطبوعات روزانه به عنوان اعمال شرورانه "تروریست‌ها" یا "سالاران مواد مخدر" یا "دولت‌های سرکش" یا "تجار غیرقانونی اسلحه" گزارش می‌دهند، اغلباً به عنوان ضربه ای بازگشت از عملیات‌های قبلی آمریکا ظاهر می‌شود.»

او با تأسف افزود که کنون در سراسر جهان این امکان قابل دسترس و یا ممکن است که ما شاهد ایجاد زمینه‌های برای اشکال آتی بازخورد‌ها «بازگشت ضربه» باشیم. روی این اصل او در صفحه دهم کتاب خود نام «اسامه بن لادن» سا بقاً شخص تحت الحما یه ایالات متحده را که با ید بخاطر داشته باشید در زمان پایان قرن گذشته می‌نوشت؛ در دهه 1980، آن جوان ثروتمند سعودی «اسامه» بخشی از جنگ مخفیانه واشنگتن علیه اتحاد جماهیر شوروی در افغانستان را به پیش می‌برد و گروهی را به هدف نبرد با روس‌ها تشکیل داد که او اسم این گروه را القاعده ("پایگاه") برای نبرد با ارتش سرخ نامید. زمانی که **چالمرز** کتابش را نوشت، زمانی بود که جنگ روسیه در آنجا مدت‌ها به پایان رسیده بود، اتحاد جماهیر شوروی فروپاشیده بود و این وقتی بود که **بن لادن** علیه واشنگتن روی آورده بود. که سپس مقامات آمریکایی او را مسئول بمب‌گذاری در سفارتخانه‌های آمریکا در **نایروبی**، **کنیا**، و **دارالسلام**، **تانزانیا** دانستند. **چالمرز** در صفحه 11، کتاب خود اضافه کرد که چنین اقدامات "تلافی جویانه" آمریکا بدون شک در مورد **بن لادن** هنوز به پایان نرسیده است."

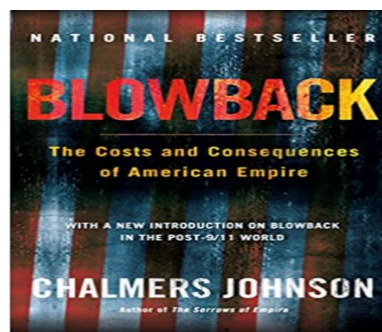
او همه چیز را اینگونه خلاصه کرد: «از آنجایی که ما در یک سیستم بین‌المللی به طور فزاینده‌ای به هم پیوسته زندگی می‌کنیم، همه ما به یک معنا در یک دنیای بازگشتی حیات به سر می‌بریم - متأسفانه، که این موضوع حتی امروز صادق‌تر و یا قریب به حقیقت است و ای کاش که اگر **چالمرز** می‌توانست از دنیای مردگان بازگردد، من شک ندارم که او چیزهای زیادی برای گفتن داشت البته در مورد اینکه ما چگونه اکنون خود را در سیاره بازگشتی نهایی می‌بینیم.»

بازگشت ضربه به یک دنیای انفرادی

ابرقدرت برای استفاده از یک کلمه بسیار مناسب، با توجه به آنچه که در مورد آن می‌نوشت، کتاب او بمباران شد. که البته پسرش خواست تا اینکار بکند! اما او را و بازبینگران در نیویورک تا میز آن را رد کردند و آن را «به دلیل یک جانبه‌گرایی فراگیر، و هرچه بیشتر ترو بد بینا نه خدشه دار کردند» و بدون نسخه‌های فروخته شد.

دیگر نسخه ها را در آب پرتاب کردند یا که از بین بردند، تا اینکه، 18 ماه بعد... بله، مطمئنم که شما قبلاً حدس زده اید که می خواهم چه چیزی بنویسم... در 11 سپتامبر 2001، آن برج ها در شهر نیویورک فرو ریختند و پنتاگون کلافه شده بود. یا که ضربه زده بود.

ناگهان یا رویهمرفته، « Blowback » همچو کتاب روی میز و پرفروش ترین کتاب فروشی های آمریکا شد. هما نظر که **چا لمرز** در مقدمه باز نویسی بلویاک به روی کاغذ سفید سفت یا در مقوای انعطاف پذیر کتاب خود در سال 2003 اشاره می کند، که Metropolitan Books = « کتاب فروشی های شهری » مجبور شدند که این کتاب آن را در کمتر از دو ماه هشت بار تجدید چاپ کنند تا که تقاضای متقاضیان را برآورده سازد؛ او در آن جلد جدید، در زمان انتشار کاری عمیقاً نامحوبی را انجام داده بود (به جز در میان گروه های حاشیه ای در سمت چپ). او کشور ما را یک امپراتوری نامیده بود-یعنی یک قدرت امپراتوری که قصد دارد در پی فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و قبل از ظهور **چین**، بصفه نیروی نظامی خیره کننده ای را در سطح جهانی باقی بماند. اصطلاح رایجی که در آن زمان در واشنگتن بکار میرفت «تنها ابر قدرت» در سیاره زمین آمریکا بود. و او به اندازه کافی همچو شوم و شرم آور اشاره کرد، که حتی بدون داشتن دشمنان رسمی و با اهمیت، تا حدی به لطف حضور امپراتوری جهانی خود، واشنگتن "تولید داخلی ما را خالی کرده یعنی کشور ما را به کشور غیرتولیدی ویا فرآوردها مبدل و یک نهاد نظامی ایجاد کرده است که امروز به خارج از کنترل غیرنظامی نزدیک شده است." او به طرز قاطعانه ای اضافه کرد که واشنگتن "همیشه بیشتر می طلبد" و میخواهد که این کشور به یک سیستم خود مختار و خوداراده دربیاید یا تبدیل شود و افزون بر آن پس از سربازی در جنگ ویتنام من بعد باید که این ارتش «ارتش تمام دواطلبانه» و به یک نیروی «مزد بیگر» عرض اندام کند.. بدتر از آن، او رشد نظامی گری آمریکا را در داخل به شکل دیگری از ضربه زدن به گسترش بیش از حد این کشور در خارج از کشور می دانست. که (در سال 2022 آشنا به نظر می رسد؟)



وی هشدار داد که فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در پی جنگ در افغانستان باید هشدار برای واشنگتن باشد بدتر از آن، در لحظه ای که نهاد سیاست خارجی این کشور ما را "ملت ضروری" می دانست (عبارت مادالین آلبرایت، وزیر امور خارجه)، او پیشنهاد کرد

که ما در حال تجربه "گسترش بیش از حد امپراتوری" و در شیب طولانی نزولی هستیم که کار همه امپراطوری ها را دیر یا زود تجربه می کنیم .
اینرا باید بخاطر داشته باشید که همه ای این موضوعات قبل از رخداد یازدهم ماه سپتامبر سال (2001) نوشته شده است یعنی قبل از آنکه رییس جمهور **جورج دبلیو بوش** خدمتگذاران ویا نیروهای نظامی تهاجمی خرابکار خود را بغرض خرابکاری به افغانستان و عراق سوق دهد ویا پیش از اینکه جمعیت غیر نظامی این کشور همانطور که کابوس اخیر آنرا در شهر (اوبالدر=Uvalder) ایالات تکزاس در ذهن ما بوجود آمد ؛ که همه با سلاح های سبک نظامی تا دندان مسلح شوند و مدت ها قبل از اینکه **دونالد ترامپ** و قبل از اینکه حزب جمهوری خواه به چیزی غیر قابل تشخیص تبدیل شود این مسله موجود بود . خیلی پیش از آن بود که کنگره اساساً قادر به تصویب هیچ چیز مهمی برای اکثر آمریکایی ها نبود، حتی اگر فوراً قادر بود (54) میلیارد دلار کمک و تسلیحات برای اوکراینی ها و بودجه بی پایان برای پنتاگون فراهم کند.

رییس جمهور بازگشت ضربه (President Blowback):

در همین ماه گذشته، یعنی «22» سال بعد، **Blowback** را دوباره خواندم . گرچه که **چالمرز** البته مدت هاست که در گذشته یا از بین رفته است (او در نوامبر 2010 درگذشت). اما با توجه به اخبار این سال های آخر و آنچه ممکن که در افق ذهنم وجود دارد ، نمی توانستم ویا نمیتوانم به این فکر نکنم که اگر او یعنی **چالمرز** هنوز اینجا بود چگونه کتاب را به روزرسانی یا up date میکرد.

در ابتدا یا نخست از همه ، من شک دارم که او به طور خاص از **دونالد ترامپ** غافلگیر شده باشد . چونکه او در ژوئن 2005، با معرفی مجدد قطعه ای یانوشته ای که در سال (2003) برای **TomDispatch** درباره بلای نظامی گری انجام داده بود، چنین نوشته بود: «سیستم دولتی آمریکا دیگر آن طور که باید کار میکرد کار نمی کند بسیاری از ناظران برجسته فکری کنند که از نظر کنترل ها و توازن ها یا موازنه های قانون اساسی و ساختارهایی که توسط بنیان گذاران برای جلوگیری از استبداد ایجاد شده است، به شدت آسیب دیده است».

و همانطور یا قسمیکه من در همان مقدمه (2005) اضافه کردم، منعکس کنند ویا بازتاب نظریه **چالمرز** بود :

« در سپتامبر 2003، تنها چهار ماه پس از "ماموریت انجام شده" [پرزیدنت جورج دبلیو بوش] درنا و یا کشتی **یواس اس آبراهام لینکلن (USS Abraham Lincoln)**، از قبل برای برخی از ما آشکار بود که رویاهای نومحافظه کاران برای ایجاد یک **Pax Americana** قوی یا {یک وضعیت صلح نسبی بین المللی که تحت نظارت ایالات متحده تلقی می شود}.....**تفصیل توسط این قلم از منابع انترنیت** { در این سیاره که احتمالاً درشن و ما سه یا در ریگزارهای عراق محکوم به فنا باشد - که در این فرآیند، سیستم قانون اساسی آمریکا آنطور که می دانستیم ممکن است نابود شود} .
بلی احتمال چرخش سیستم ما به سمت پایین به سمت نوعی از استبداد؛ به گمان من که او را «**چالمرز**» شگفت زده نمیکرد - اما البته او به سر کار آمدن یا به قدرت رسیدن

دولتی «**دونالد ترامپ**» را پیش بینی نکرده بود {که او باید میکرد} اما اگر کسی میتوانست تصور کند که این کشور چگونه «اداره شود» من با ذکر دلایل واضح آنرا در نقل قول ها قرار دادم یا که توضیح نمودم ؛ یعنی که توسط یک مرد ملیاردر اعتماد به نفس و شاهزاده تلویزیونی که نه تنها بطرز غیر قابل تحملی خوب می اندیشید بلکه فقط خودش فکر میکرد که این شخصیت همان **چالمرز** است . اگر او یعنی **چالمرز** در سال 2016 اینجا بود، زمانی که آن شخصیت عجیب و غریب برای ریاست جمهوری نامزد شد، همانطور که حداقل از سال 2011 رویای انجام آن را داشت و پیروز شد، من پولم را روی این می گذاشتم که او حتی اندکی غافلگیر نشود . من گمان نمیکنم که وقتی نایب‌ربری اقتصادی که به **ترامپ** در پیروزی اش کمک کرد، در سال‌های ریاست‌جمهوری او بیشتر شد، در حالی که میلیاردرها مانند کک وکنه روی یک سگ ها شروع به تکثیر شدن کردند، که البته او هم تعجب نمی‌کرد .

راستش را اگر بخواهید، اگر لحظه‌ای به آن فکر کنید، سخت است که موفقیت **دونالد** را به عنوان نسخه ای دیگر از ضربه‌گیری تصور نکنید . در واقع، او بدون آن نوع آشفتگی امپریالیستی که **چالمرز** در ذهن داشت و اینکه این کشور با تهاجمات فاجعه بار خود به افغانستان و عراق و جنگ بی‌پایان علیه تروریسم، چنین کار باشکوهی را انجام داده است، قابل تصور نیست . اگر به خاطر آشفتگی‌ای که ماشین نظامی ما در این قرن از جهان ایجاد کرد (و پولی که در این فرآیند به دست آورد) نبود، تصور ظهور او دشوار بود . او اکنون به نظر می‌رسد که علت خیلی چیزها است، اما صادقانه بگویم، همانطور که در طول مبارزات انتخاباتی سال 2016 با اشاره به این بیماری در اخبار نوشتیم: «شاید بهتر باشد که **دونالد ترامپ** را به عنوان یک علامت ببینیم، نه خود مشکل را . او را نه به عنوان ویروس زیکا، بلکه به عنوان اولین پشه عفونی که به سواحل این کشور برخورد کرده است، در نظر بگیرید .

او مطمئناً لحظه کلیدی دیگری را در آنچه **چالمرز** به عنوان نسخه داخلی افول امپریالیستی تصور می‌کرد، رقم زد . در واقع، با نگاهی به گذشته یا با توجه به اصرار او بر «جعلی بودن» یا «تقلبی» بودن انتخابات 2020، با نگاه به کشوری در بحران بزرگتر، به نظر من می‌توانیم او را «**بلوبیک دونالد**» تغییردهیم) البته، "B" می‌تواند مخفف Blowhard نیز باشد (و با توجه به حزب جمهوری خواه کنونی و همچنین شواهد فزاینده ای که نشان می‌دهد سیستم سیاسی این کشور ممکن است در حال از هم پاشیدن باشد، سخت است که فکر نکنیم که **چالمرز** در این مورد بوده است چیزی بزرگ که قرن گذشته به پایان رسید . از یک چیز مطمئنم که او نمی‌توانست کمی شوکه شود که این روزها، تنها چیزی که کنگره می‌تواند بر سر آن توافق کند، افزایش سالانه بودجه پنتاگون به سطوحی است که اکنون با بودجه نظامی 11 کشور بعدی در مجموع مطابقت دارد .

بازگشت ضربه ای به قرن بیست و یکم

در پس مغز یا ذهنم، در حالی که کتاب او را دوباره می‌خواندم، مدام به این فکر می‌کردم که چطور دیگری ممکن است **چالمرز** آن را در سال 2022 به روز کرده باشد . و

چیزی که به طور مکرر به ذهنم خطور می کرد، موضوع بالقوه نهایی، تغییر آب و هوا بود .

حالا، **چالمرز** مطمئناً از آسیب های زیست محیطی که امپراتوری آمریکا قبلاً ایجاد می کرد، احساس می کرد، اما تغییر آب و هوا هنوز در ذهن او نبود. اخیراً، در کمال تعجب، با اشاره ای گذرا به آن در چیزی که نوشتم اما هرگز در دهه 1990 منتشر نکردم، برخورد کردم و از اینکه حتی در آن زمان درباره آن می دانستم شگفت زده شدم. با این حال، در این قرن، همانطور که من بیش از پیش از آن آگاه شدم و بیشتر درباره آن در TomDispatch نوشتم و منتشر کردم، به این باور رسیدم که واقعاً برای بشریت ویرانگر خواهد بود. با این حال، سال ها نمی دانستم که در طول زندگی ام چنین خواهد بود .

در آن زمان، من آن را تا حد زیادی یک پدیده آینده تصور می کردم، نه چیزی که بتوانید شواهدی برای آن در اخبار روزانه پیدا کنید (خواه به عنوان آن شناخته شود یا نه). بله، در مقطعی متوجه شدم، به عنوان مثال، آسیای جنوبی ممکن است بیش از بسیاری از مناطق دیگر در برابر تغییرات آب و هوایی مستعد تر باشد. با این حال، انتظار نداشتم که در فصل بهار هوای بهاری را با دمای بین ۱۱۵ تا ۱۲۰ درجه فارنهایت ببینم، یا چنین گرمای وحشتناک و بدون تهویه مطبوع و مرگبار فزاینده ای با سیل ویرانگر به دنبال داشته باشد. یا اینکه چنین افراطی ها به این سرعت رایج تر می شوند.

اگر تنها صادقانه بگویم، انتظار موجی از درجه حرارت (و رطوبت) در ماه ژوئیه را نداشتم که در شمال شرقی ایالات متحده و در بسیاری از نقاط کشور خودم در همین ماه می (در روز اخیر در فیلادلفیا به 95 درجه برسد!) . همچنین تصور نمی کردم که جنوب غربی و غرب درگیر خشکسالی بزرگی شوند که ما نند آن در حداقل 1200 سال گذشته در این قاره دیده نشده است، با آتش سوزی های ویرانگر، اغلب رکورددار، شعله ور در نیومکزیکو و جاهای دیگر در سال یا خشکسالی شدید بی سابقه و سیل بی سابقه در بخش های از پرزیل و آرژانتین یا آتش سوزی و سیل خیره کننده در استرالیا یا سیل بی نظیر سال های اخیر در چین و آلمان و کشورهای دیگر.

تصور نمی کردم که هر بهار کم و بیش همان مقاله بهاری را ببینم که فصل طوفان های آتلانتیک وحشتناک دیگری را پیش بینی می کند. یا اینکه درباره طوفان ماه می با قدرت بی سابقه ای که به سواحل اقیانوس آرام مکزیک برخورد می کند، می شنیدم . و البته، این فقط برای شروع فهرستی بی پایان است. منظورم این است که من حتی به آن سه گردباد نادر در آلمان یا رکورد موج گرمای ماه می در اسپانیا اشاره نکرده ام، یا ... اما چرا ادامه دهیم؟ شما ایده را دریافت می کنید. در واقع، شما یا افرادی که می شناسید، بدون شک در حال زندگی کردن با این واقعیت هستید، به شیوه های دلهره آور - و در این لحظه، به لطف جنگ در اوکراین و حواس پرتی های بی پایان دیگر، جهان فقط

در حال سوزاندن سوخت‌های فسیلی بیشتری است که این نوید را می‌دهد.
خیلی بدتر در آینده برای بازگشت به **چالمرز جانسون**، اگر حتی برای 30 ثانیه به آن فکر کنید، تغییر آب و هوا بدیهی است که به بزرگترین رویداد بازگشتی در تاریخ بشر تبدیل شده است - با احتمال وقوع هرج و مرج آب و هوایی تقریباً غیرقابل تصور. همانطور که او بدون شک خاطرنشان کرده بود، اگر شما در مهم‌ترین کشور بازگشتی در تاریخ بشر زندگی می‌کنید، زیرا هیچ کشور دیگری به اندازه ایالات متحده گازهای گلخانه‌ای در اتمسفر قرار نداده است، واقعاً با آن روبرو هستید. کتاب او - "هزینه‌ها و عواقب امپراتوری آمریکا" و البته شرکت‌های نفتی امپراتوری که همچنان چنین نقشی در (نادرست) شکل دادن به جهان ما دارند.

بدتر از آن، در این قرن، جدیدترین قدرت امپریالیستی، **چین**، قبلاً از این کشور در زمینه سوخت‌های فسیلی جو این سیاره پیشی گرفته است (یک مورد کلاسیک دیگر از کشش بیش از حد امپراتوری در آینده است).
(صحبت از زوال! این روزها به نظر می‌رسد که تقریباً قبل از ظهور امپراتوری است بلی و سال‌ها بعد، اجازه دهید پیش‌بینی دیگری ارائه کنم: اگر جمهوری خواهان در سال 2022 وارد کنگره شوند و **دونالد ترامپ** یا یکی از افراد مشا به او وارد کاخ سفید شود (یا حتی بخزد) در سال 2024، در نظر بگیرید که پایان بالقوه داستان آمریکایی است، زیرا تضمین می‌کند که برای سال‌های آینده، هیچ کاری برای متوقف کردن نسخه نهایی بازخورد انجام نخواهد شد.

چند سطر در مورد نویسنده این مقاله :

تام انگلهارت یکی از بنیانگذاران پروژه امپراتوری آمریکا و نویسنده ایالات متحده ترس و همچنین تاریخچه جنگ سرد، فرهنگ پایان پیروزی است. او یکی از اعضای موسسه Nation است و TomDispatch.com را اداره می‌کند. آخرین کتاب او حکومت سایه: نظارت، جنگ‌های مخفی و یک دولت امنیتی جهانی در یک جهان تک ابرقدرت است.

----- **با تقدیم احترامات «12-06-2022»**